



تحلیل هفته

سیاست های ضد کارگری دولت، عامل اصلی افزایش حوادث کار



صادق کار

همین مقدار گزارش که تقریباً همه روزه از حوادث کار انتشار پیدا می کند، آشکارا حاکی از رشد وقفه ناپذیر حوادث کار در کارخانه ها و موسسات تولیدی و خدماتی بزرگ و کوچک در شهرهای مختلف کشور است.

با این که تنها بخشی از اخبار غیرقابل کتمان این حوادث آن هم به شکل سانسور و تحریف شده در پاره ای از رسانه ها منتشر می شوند و بقول "قاسم خاک باز" عضو هیات مدیره کانون سراسری مسئولان ایمنی و بهداشت کار، ۸۰ درصد حوادثی که در کارگاه کوچک زیر ۲۵ تن رخ می دهد گزارش شان منتشر نمی شود، با این اوصاف

رونده فزاینده شمار حوادث کار که از سال ها پیش شروع شده و همه ساله هزاران کارگر را به کام مرگ می فرستد و هزاران تن دیگر را معلول و از کارافتاده می کند و خسارات مالی هنگفتی به اقتصاد کشور وارد می شود، در ماه های اخیر نیز به رغم این خسارات مالی و انسانی فاجعه بار هم چنان ادامه دارد.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

"پلاسکو" و "معدن پورت" که در هریک از این موارد ده‌ها آتش نشان و معدن چین به دلیل عدم انجام اقدامات پیش گیرانه، نداشتن وسایل مناسب و مکفی و رعایت نکردن مقررات ایمنی جان شان را از دست دادند، مسئولان دولتی برای توجیه و سرپوش نهادن به علل این فجایع به صحنه آمدند و تلاش کردند، با دادن وعده‌هایی که هیچگاه عملی شان نکردند فضای ملت‌هپی را که به واسطه این حوادث ایجاد شده تلطیف کنند. با وجود این که علل وقوع اکثر قریب به اتفاق این فجایع عدم رعایت قوانین و مقررات ایمنی توسط کارفرما و نادیده گرفته شدن قانون شکنی کارفرمایان توسط مسئولان دولتی بوده و به تبع آن کارفرما مقصر و مستوجب پیگرد بوده است، ولی مقامات دولتی در مواردی که حتی یک یا چند ده کارگر در اثر حوادث کاری کشته و مصدوم شده‌اند به جای معرفی کارفرما و یا مسئول ذیربط به مقامات دادگستری برای محاکمه و مجازات، در صدد تبرئه کارفرما و مسئولان مرتبط با قضیه و انداختن تقصیر حادثه به گردن کارگران بوده‌اند. که این خود نیز سبب آسودگی خیال کارفرمایان از پیگرد قانونی گردیده و در افزایش حوادث نقش زیادی داشته است.

قفسه سینه یکی از کارگران شد+عکس

مرگ راننده جوان معدن گل‌گهر بر اثر ریزش کنسانتره

مرگ کارگر هرمزگانی در حادثه سقوط لودر

انفجار مخزن سوخت جان یک کارگر را گرفت،

از سویی دیگر، انتشار گزارش مرگ ۱۶ پرستار جوان طی ۱۸ ماه گذشته نشان می‌دهد، شرایط چنان شده است که دیگر عده‌ای از مزدبگیران نیز بواسطه فشار کار زیاد جان خود را از دست می‌دهند، بی تردید، اینان نیز قربانیان زیادخواهی‌های صاحبان سرمایه هستند که با فرصتی که دولت در اختیارشان قرار داده، بدون نگرانی از مجازات برای بدست آوردن سود هرچه بیشتر به تشدید استثمار گروه‌های مختلف زحمت کشان مشغول هستند.

با این همه مسئولان دولتی تا کنون تلاش جدی و موثری برای مقابله با حوادث کار نکرده‌اند و یا اقداماتی انجام شده، بی ثمر بوده و نتوانسته است مانع رشد این حوادث شوند. البته هرگاه که حادثه پرتلفاتی مانند، فجایع آتش سوزی

انتشار گزارش مرگ ۱۶ پرستار جوان طی ۱۸ ماه گذشته نشان می‌دهد، شرایط چنان شده است که دیگر عده‌ای از مزدبگیران نیز بواسطه فشار کار زیاد جان خود را از دست می‌دهند

برای نمونه اخباری مانند:

"مرگ کارگری در کارخانه سیمان کارون"

نجات ۳۵ تن از کارکنان شرکت نفت بهرگان در آب‌های دیلم

کارگر حادثه‌دیده با میله‌ی داربست در بدن، زنده ماند

آتش سوزی در اسکله بندر کنگان/ ۷ آتش‌نشان و ۳ ملوان مصدوم شدند

مصدومیت شدید ۲ کارگر ساختمانی/ میله داربست وارد





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

ولی وجود حوادث را بر سندیکا ترجیح می دهند.

روند افزایش حوادث کار همزاد
آغاز تعرض به قوانین حمایتی،
تغییر و تعدیل قوانین کار و
تامین اجتماعی به سود
کارفرمایان و جزئی تحزبه
نایدیر از سیاست های
اقتصادی نئولبرالی و ضد
کارگری دولت است. مادامی که

چنین است و وزیران و مسئولان بر اساس این گونه معیار تعیین می شوند، انتظار نباید داشت که تغییر محسوسی در این راستا صورت گیرد، زیرا با سیاست دولت و خواست کارفرمایان که معطوف به ارزان سازی هرچه بیشتر دستمزد و حق و حقوق قانونی نیروی کار و تحمیل بی حقوقی کامل به زحمت کشان است، ناسازگار می گردد، و به همین خاطر تغییر ترکیب کابینه نیز به نظر نمی رسد، در رویکرد ضد کارگری دولت تغییر مثبتی را به دنبال داشته باشد. یا این وصف این خود کارگران هستند که بایستی با تشکیل سندیکاها و تشکیل های مستقل علیه این بدادگری صاحبان سرمایه و دولت دست پرورده شان مقابله و از حقوق خود دفاع کنند.

های به اصطلاح سه جانبه امثال "ابراهیم اسلامی" که عنوان عضو شورای عالی حفاظت فنی و بهداشت کار را یدک می کشد، در پی کشته شدن یکی از معدن چیان معدن "راور کرمان" در ۲۸ تیر در اثر گازگرفتگی و مسمومیت دو کارگر دیگر از احتمال تکرار حادثه‌ای مشابه با فاجعه معدن "یورت" در معدن "راور کرمان" صحبت کند.

همان طور که اشاره شد، علت اصلی افزایش فزاینده حوادث کار که محل های کار را به قربانگاه کارگران تبدیل کرده است، از میان برداشته شدن عملی قوانین حمایتی، پشتیبانی همه جانبه دولت از قانون شکنی کارفرمایان، سرکوب تشکل های مستقل کارگری و ایجاد موانع متعدد دولتی بر سر راه تشکیل سندیکا های کارگری و تحمیل تشکل های فرمایشی و فاسد دولتی به کارگران است.

با اطمینان می توان گفت که حضور و فعالیت سندیکا در واحدهای تولیدی و خدماتی خود به تنهایی می تواند طی مدت کوتاهی شمار حوادث کار و خسارات انسانی و مادی ناشی از آن ها را به حداقل برساند. خود مسئولان دولتی و سرمایه داران نیز این را می دانند،

پس از فاجعه انفجار در معدن یورت که به قیمت جان حداقل ۴۵ کارگر تمام شد، مسئولان دولتی محلی و وزارت کار با وجود محرز بودن تراکم بیش از اندازه گاز و عدم تعبیه راه گریز به هنگام حادثه و ناقص بودن کپسول های اکسیژن تا مدت ها بخاطر تبعات آن حاضر به تأیید علل فاجعه نبودند و بعضا تلویحا بی احتیاطی معدن چیان را علت حادثه عنوان می کردند. همین برخورد چنان خشمی در میان کارگران و خانواده‌های قربانیان برانگیخت که مسئولان استانداری مجبور شدند بخاطر نگرانی از عواقب کار جلسه میان علی ربیعی و خانواده‌های کارگران قربانی را به "پادگان نظامی نوده" منتقل کنند. اما حتی فاجعه معدن پورت هم موجب تغییری در رویکرد مقامات دولتی در این زمینه و تقلیل شتاب روند حوادث کار نشد و پس از آن نیز شمار زیادی از کارگران به خاطر تعلیق مقررات و قوانین کار به سود کارفرمایان قربانی شدند و انتظار هم نمی رود که تغییر محسوس و مثبتی در این روند صورت پذیرد.

بی باوری به وعده‌ها و ادعاهای مسئولان دولتی به حدی است که حتی افراد مسئول و دستچین شده مقامات وزارت کار در نهاد





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

از تجربه دیگران

جنبش اتحادیه های صنفی در بنگلادش

(بخش هفتم)



میزان آمیختگی احزاب سیاسی و اتحادیه های کارگری در بنگلادش یکی از بالاترینها در سراسر جهان است

مسائل، اهداف و مقررات
مصباح الدین احمد
ترجمه کودرز

قانون استخدام کارگران

(فرمان جاری) مصوب ۱۹۶۵

سختگیرانه تر و نامطلوب تر باشد. بر این اساس می توانند موادی را از قانون عمومی حذف یا اضافه کنند، ولی باید در کل استاندارد همسانی و هماهنگی را بین کارگران از نظر شرایط کار و مزایای شغلی در بخش های مختلف بالنسبه حفظ نمایند. مقررات جاری و آئین نامه های اجرائی باید برای تایید و بررسی به بازرس ویژه کارگاه و موسسه ارائه شوند.

قوانین ذکر شده در بالا شامل مقررات مناسبی در حمایت از حقوق کارگران اند. ولی در عمل وضع روابط کاری در بنگلادش بسیار بد است. یک رهبر جنبش کارگری در تأکید بر این نظر می گوید که این رابطه در ظاهر شبیه بهشت است اما در واقع به جهنم می ماند. علاوه بر این با اجرای " قانون خدمات ضروری " دولت می تواند تمام فعالیت های کارگری از جمله اعتصاب و چانه زنی برسر شرایط را ممنوع کند.

این قانون مرخصی و تعطیل کار بدستور کارفرما بدلائیل ویژه، انتظار خدمت، انتقال و اخراج و نحوه رسیدگی به شکایات و پرداخت غرامت به کارگران را پوشش می دهد. علاوه بر این قانون انواع دیگری از مقررات و قوانین وجود دارند مانند قانون مغازه و مؤسسات کوچک مورخ ۱۹۶۵، قانون استخدامی برای انتقال آب مورخ ۱۹۶۵، شرایط خدمت کارکنان روزنامه ها مورخ ۱۹۷۴، و مقررات استخدامی کارگران بندرگاه مورخ ۱۹۸۰. این قوانین بر نحوه استخدام و شرایط کاری در بخش های خاص خود نظارت می نمایند، ولی ضرورت ندارد که همه بخش های کارگری و مؤسسات حرفه ای، علاوه بر قانون استخدام کارگران ۱۹۶۵، لزوماً مقررات جاری ویژه داشته باشند. در نتیجه اختیارات زیادی به کارفرمایان داده شده تا به تمایل خود برای محیط کار مقررات ویژه تدوین کنند یا این که از قانون سراسری استفاده نمایند، اما مقررات محیطی نباید نسبت به حقوق کارگران در قانون ملی



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

کارفرما به استخدام، ترفیع، انتقال (بجز مسئولان اتحادیه) و تعیین حوزه کاری توسعه یافته است. در نتیجه اتحادیه‌ها از امکان مبارزه برای تأمین خسارات و رفع تبعیضات به کارگران عضو هم محروم شده‌اند. تنها امکان اعتراض در این موارد شکایت به سربازرس کارگاه، مسئول دایره کار و دادگاه کارگری است.

ضعف‌ها و توانایی‌ها

گرچه تا بحال ۲۳ فدراسیون مرکزی تأسیس شده‌اند، هیچ یک از این فدراسیون‌ها توانایی برپاکردن یک چالش سراسری در کشور را بطور مستقل ندارند. آنها سازماندهی لازم یا امکانات مالی برای چنین کنش‌هایی را ندارند. تقریباً تمام احزاب سیاسی برای خود اتحادیه وابسته دارند که بجز معدودی بقیه برای هر نوع اقدامی به امکانات سازمانی و مالی حزب مربوطه متکی‌اند. بزرگترین تشکیلات در میان اتحادیه‌های کارگری هم بالطبع به حزب حاکمه تعلق دارد و هرگاه قدرت در دولت تغییر کند اتحادیه‌ها هم جابجا می‌شوند. اتحادیه‌های صنفی در اینجا همچنین وابسته به کمک‌های فدراسیون‌های بین‌المللی اتحادیه‌های صنفی و بنیاد‌های مالی مربوطه‌اند. آنها برای برگزاری سمینارها و کنفرانس‌ها و چاپ و توزیع انتشارات و نشریات و سایر خدمات اتحادیه‌ای کمک مالی عرضه می‌کنند. هزینه مسافرت برای شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی هم از همین منابع مالی تأمین می‌گردند. برخی از رهبران اتحادیه‌ها تمام وقتشان را صرف تهیه گزارش و مقاله، تنظیم برنامه سفر خارجی و گرفتن ویزای سفر می‌کنند و دیگر وقتی برای کار روی مسائل کارگری اتحادیه ندارند.

بر طبق قانون تمام فعالیت‌های اتحادیه‌ها تحت کنترل شدید مدیریت کارگری قرار دارد. این نظارت با ثبت اولیه آغاز شده و تمام اقدامات اتحادیه‌ها از قبیل حسابرسی، جلسات، اعتصاب و غیره را شامل می‌شود که نشاندهنده تشدید کنترل‌های قانونی وزارت کار است و همزمان نشان دهنده کاهش توان و قدرت اتحادیه‌هاست که همه فعالیت‌هایشان تحت نظر قرار گرفته یا ممنوع شده است. اتحادیه‌ها حتی از پرسش از کارفرما درباره وضعیت کارگران، اخراج و انتقال، تنزل شغل و مجازات آنان هم ممنوع شده‌اند، چرا که تمام این اقدامات با قانون فوق جزء اختیارات کارفرما شناخته شده‌اند.

تقریباً تمام احزاب سیاسی برای خود اتحادیه وابسته دارند که بجز معدودی، بقیه برای هر نوع اقدامی به امکانات سازمانی و مالی حزب مربوطه متکی‌اند. بزرگترین تشکیلات در میان اتحادیه‌های کارگری هم بالطبع به حزب حاکمه تعلق دارد و هرگاه قدرت در دولت تغییر کند اتحادیه‌ها هم جابجا می‌شوند

بنابراین کارفرما صاحب اختیار کامل در امور کارگری در محدوده کارگاه شناخته شده است. اختیارات بلامنازع





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

دیگر کشورها

سازمان دهندگان اعتصاب ها، خائن به طبقه کارگر ونزوئلا هستند



ویلس رانگل دبیر کل " کانون بولیواریایی سوسیالیست کارگران "

اشاره:

هر چه می گذرد، صف آراییی در ونزوئلا مابین مردم ، احزاب سیاسی، پارلمان و دولت بیش از گذشته شدت می گیرد، جریان مخالف که از بحران های اقتصادی حاکم نهایت بهره را در تشدید اختلاف و تعمیق شکاف بین دولت و مردم کسب می کند، با وجود این که مخالفان دولت اکثریت را در مجلس در اختیار دارد و حتی رییس پارلمان از مخالفان است، با بحران آفرینی، راه انداختن انتخابات نمایشی، به اعتصاب کشاندن کارخانه ها، گسترش تظاهرات و درگیری خیابانی، سعی در سقوط دولت چپ گرای ونزوئلا دارند، ریشه این بحران ها جنگ کارتل های نفتی به پشتیبانی دولت آمریکا برای غارت منابع نفتی این کشور است، کار تا آن جا بالا گرفته که حتی ترامپ رییس جمهور آمریکا، رییس جمهور قانونی این کشور را به عنوان "دیکتاتور آینده" مورد خطاب قرار داد و حمایت خود را از مخالفان دولت ابراز داشت.

در این رابطه سندیکا های کارگری نیز عملا به دویخش تقسیم شده اند، عده ای در حمایت از دولت قانونی ونزوئلا، و عده ای در برابر آن هم سو با کارتل های نفتی در این عرصه نقش ایفا می کنند.

چندی پیش نیرو ها و سندیکا های مخالف دولت اعلام اعتصاب کردند، از این رو ویلس رانگل دبیر کل " کانون بولیواریایی سوسیالیست کارگران ونزوئلا" اخباری در این رابطه منتشر کرد که مطالعه آن به شرح زیر تقدیم شما می شود:



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

او اعلام داشت رهبر طبقه کارگر تنها نیکولاس مدورو است و تنها او می تواند اعلام اعتصاب عمومی کند.

ویلس رانگل حمایت خود و **کانون بولیواریایی سوسیالیست کارگران** را از انتخابات روز ۳۰ ژوئیه برای مجلس موسسان اعلام داشت.

از طرف دیگر **دل پینو** رئیس شرکت ملی نفت ونزوئلا در پایان روز ۲۰ ژوئیه که نیروهای مخالف دولت اعلام اعتصاب عمومی کرده بودند، اعلام داشت: "صنایع نفت بعنوان بازوی نیرومند میهن برای پیشرفت و رفاه شهروندان با تمام ظرفیت خود در این روز بکار مشغول بود و هیچ گونه نشانی از دنباله روی از اعتصاب در آن دیده نشد. او هم چنین تاکید ویژه ای داشت به اینکه اجازه نخواهند داد که بار دیگر نیروهای ارتجاعی و عاملان امپریالیسم به قدرت باز گردند."

سندیکاهای مربوط به کارخانه های اتومبیل سازی نظیر جنرال موتورز، تویوتا و فورد در اطلاعیه ای پیش از روز ۲۰ ژوئیه مراتب مخالفت را با اعلام اعتصاب عمومی بیان کرده بودند در بخشی از آن اطلاعیه چنین آمده است:

"ما کارگران صنایع اتومبیل سازی ونزوئلا از این طریق مخالفت خود را با اعتصاب عمومی برای روز ۲۰ ژوئیه اعلام می کنیم و اعتقاد داریم کسانی که این اعتصاب را سازمان دهی می کنند، خائن به منافع طبقه کارگر و از عوامل سرمایه داران و امپریالیسم آمریکا هستند. سازماندهی این اعتصاب در راستای منافع طبقه کارگر و حقوق دمکراتیک مردم ونزوئلا نیست."

کانون بولیواریایی سوسیالیست کارگران از جمله سندیکاهای است که از دولت حمایت می کند و در عین حال بزرگترین تشکل کارگری ونزوئلا است.

دبیر کل سندیکای فوق **ویلس رانگل** در مقابل جمعی از خبرنگاران اعلام داشت: "که دعوت به اعتصاب از طرف مخالفان دولت برای روز ۲۰ ژوئیه از جانب کارگران و کارمندان دنبال نشد و کارگران با کمال آرامش در این روز بر سر کار خود حاضر شدند."

او در این ارتباط اعلام کرد: "۱۷ فدراسیون به همراه تعدادی از سندیکاهای تمامی مراکز کار در سراسر کشور بازدید کردند و اعلام داشتند که زندگی روزانه شهروندان دچار تغییری نشده است و کارخانه ها و صنایع با حداکثر ظرفیت خود بکار مشغول بودند. او ادامه داد: "در بخش های استراتژیک صنعتی نظیر صنایع نفت بعضی از کارگران برای حاضر شدن در محل کار خود با ممانعت های اپوزیسیون روبرو شدند، ولی علی رغم آن ها به سرکار خود رفته و فراخوان اعتصاب را بدون جواب گذاشتند."

ویلس رانگل در بخش دیگری از سخنان خود می گوید: "طبقه کارگر ونزوئلا هیچ گاه جواب مثبت به کسانی نخواهد داد که از دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و امپریالیسم تبعیت می کنند و هدف شان در نهایت بهره کشی بیشتر از آن هاست."





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

از جهان کار

جهان بدون کار

(بخش ۱۱)



آیا آینده بدون کار فردا شباهتی به جهان بدون کار امروز خواهد داشت؟

دیرک نامپسون

آتلانتیک، اوت ۲۰۱۵

اشاره
در بخش پیشین این نوشته این نکته مطرح شد که "ما کمابیش یاد گرفته ایم عواقب مستقیم کاربرد تکنولوژی برای بازار کار - مثلاً فرصتهای شغلی کمتر - را متذکر شویم. اما به مراتب سخت تر از این، پیش بینی عوارض بعدی تحولات تکنولوژیک است: مثلاً این که اگر مصرف کننده ای نباشد، چه بر سر اقتصاد مصرفی خواهد آمد."

۶. دولت: دست پیدا

(ادامه از شماره قبل)

پیشرفتهای صنعتی به درجاتی که برای ما قابل تصور اند، ممکن است طلایه تغییرات اجتماعی و فرهنگی ای باشند، که معمولاً پیش بینی کامل آنها غیرممکن است. توجه کنید که چگونه کار در اساس جغرافیای امریکا را شکل داده است. شهرهای ساحلی امروز ملقمه ای از ساختمانهای اداری و فضاهای مسکونی اند. این هر دو بسیار گران و به شدت محدود اند.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

اما کاهش مشاغل بسیاری از ساختمانهای اداری را زائد خواهد کرد. معنای این تحول برای مناطق پرتب و تاب شهری چه خواهد بود؟ آیا فضای اداری شهرها را ترک خواهد کرد، یکپارچه به آپارتمانهایی تبدیل خواهد شد و این امکان فراهم خواهد آمد که مردمان بیشتری به قیمتهای قابل پرداختی نزدیک به مراکز شهری زندگی کنند؟ یا این که ما شاهد پوسته های خالی زنگار گرفته ای خواهیم بود؟ آیا اگر نقش شهرهای بزرگ به عنوان اکوسیستم پیچیده ای برای سامان دادن به کار از بین برود، دیگر اصلاً شهر بزرگ معنایی خواهد داشت؟ با رنگ باختن هفته ۴۰ ساعت کار، قطعاً ایده دو بار در روز رفت و برگشت وقتگیر نیز در نظر نسلهای آینده ایده ای کهنه و وقت کشی محض جلوه گر خواهد شد. اما آیا آن نسلهای آینده مورد نظر ترجیح خواهند داد در شهرهایی با خیابانهای شلوغ و پر از آسمانخراش زندگی کنند یا در شهرکهای کوچک؟

امروز، هنوز هم بسیاری از والدین از این شکایت دارند که اوقات بسیاری را در اداره به سر می برند. اما با کاهش مشاغل تمام وقت، ممکن است پرورش و نگهداری کودکان کمتر دست و پاگیر شود. از انجائی هم که فرصتهای شغلی در امریکا به طور تاریخی منجر به مهاجرت می شده اند، ممکن است که در آینده شاهد مهاجرت کمتری باشیم و جماعات خانوارهای بزرگ غریبه جای خود را به خانواده های با پیوندهای محکمتر بدهد. اما اگر انسانها، خواه مرد یا زن، با از دست دادن شغل شان هدف و کرامتشان را نیز از دست دهند، آنگاه این خانواده ها با دشواری مواجه خواهند شد.

کاهش نیروی کار ممکن است سیاستهای مرسوم را به زیر سؤال بکشد. تصمیمگیری در باره بهره های مالیاتی یا توزیع درآمد ممکن است به مهمترین موضوع مباحثات سیاست گزارانه در تاریخ امریکا تبدیل شوند. آدام اسمیت در کتاب مشهورش، ثروت ملل، از عبارت "دست ناپیدا" استفاد کرد تا نظم و بهره اجتماعی ای را که به نحو شگفت آوری از اعمال خودخواهانه افراد حاصل می شود، توضیح دهد. اما برای حفظ اقتصاد مصرفی و بافت اجتماعی، دولت ممکن است ناگزیر باشد و بپذیرد دست به اقداماتی بزند که هاروهیتو کورودا، رئیس بانک ژاپن، از آنها به عنوان "دست پیدای مداخله اقتصادی" نام می برد. آنچه در ادامه می آید تصویر زود هنگام وضعی است که در این صورت می تواند تحقق یابد.

در کوتاه مدت ممکن است دولتهای محلی مجدانه به ایجاد مرکز اجتماعات یا دیگر فضاها عمومی هر چه بیشتری اقدام کنند؛ اماکنی که امکان دیدار با دیگران، یادگیری مهارتهای مختلف، تشکیل تیمهای ورزشی آماتور و دیگر مشغله های جمعی را فراهم می آورند.

تنهایی و تهی شدن از حس غرور جمعی دو تا از عمومی ترین آثار جانبی بیکاری اند. وجود یک سیاست ملی و سراسری که به مراکزی از این دست در مناطق بحراندیده کمک مالی کند، خواهد توانست از نابسامانیهای ناشی از حس بطالت بکاهد و آغازی را برای یک تجربه درازمدت رقم زند؛ تجربه ای برای مشغول داشتن مجدد مردم در محیط پیرامون شان در غیاب کار تمام وقت.

ما همچنین می توانیم وضع را برای آن که افراد دست به کسب و کار برای خودشان، ولو در ابعاد کوچک و به طور نیمه وقت، بزنند، تسهیل کنیم. در چند دهه گذشته در تمام ۵۰ ایالت امریکا از میزان ایجاد فرصتهای شغلی جدید کاسته شده است.

یک راه برای میدان دادن و به نتیجه رساندن ایده های نو می تواند ایجاد شبکه هائی از بانکهای کاریابی باشد. یونگستاون از این بابت دارای مدل فوق العاده ای است.

بانک کاریابی این شهر در سطح بین المللی به رسمیت شناخته شده و موفقیتهای این بانک امید تازه ای را در خیابان فدرال جنوبی - جایی که بیشترین جستجو برای یافتن کار صورت می گیرد - آفریده است.

امریکا، در آستانه یک افت شدید در فرصتهای شغلی، می تواند از تجربه آلمان در امر "اشتراک شغل" درس بگیرد. دولت آلمان شرکتها را تشویق می کند به عوض این که تعدادی از کارکنان شان را در مواقع بحرانی اخراج کنند، از ساعات کار کلیه آنان بکاهند.

به این ترتیب کارخانه ای، مثلاً با ۵۰ کارکن، می تواند بع عوض اخراج ۱۰ کارکن، ۲۰ درصد از ساعات کار تمام کارکنان اش بکاهد. چنین سیاستی به کارگران شرکتهای جاافتاده کمک خواهد کرد، علیرغم افت عمومی کار، ارتباط خود را با بازار و نیروی کار حفظ کنند.



طرح تحول نظام سلامت؛ تبدیل پدیده ی " زیرمیزی " به " رومیزی "



کانون مدافعان حقوق کارگر

الف - پگاه

دولت یازدهم طرح تحول نظام سلامت را از ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۳ با رویکردهایی از جمله : حفاظت مالی از مردم، کاهش پرداخت بیماران بستری، ارتقای کیفیت خدمات ویزیت و ایجاد عدالت در دسترسی به خدمات سلامت، حمایت مالی از بیماران صعب العلاج و نیازمند، سهولت تهیه دارو و ارتقای کیفیت خدمات بیمارستانی، واقعی کردن تعرفه های پزشکی و کاهش زیرمیزی پزشکان ... آغاز

کرد. این طرح در ۵۴۰ بیمارستان دولتی از ۸۰۰ بیمارستان اجرا شد. طی ۳ سال گذشته این طرح نه تنها به هیچ کدام از این اهداف نرسید، بلکه به منجلاهی تبدیل گردید که اثرات منفی آن به سایر ساختارهای اقتصادی اجتماعی نیز گسترش یافت. طرحی که حتی بنا به اذعان برخی از مسئولان نیز طرحی ورشکسته است، که با بحران شدید تامین منابع مالی مواجه گردیده .

این طرح در طی ۳ سال هزینه ای بالغ بر ۱۳۰ هزار میلیارد تومان داشته که این هزینه از محل قطع یارانه کالاهای اساسی تامین شده و از این رو بیشترین فشار به نیروهای فرو دست جامعه وارد شده است. این طرح با تحمیل هزینه ای بالغ بر ۱۰۰ هزار میلیارد تومان به بیمه ها باعث ورشکستگی بیمه ها گردید.

در ۴ سال اخیر تعرفه مراکز دولتی ۳ برابر و تعرفه مراکز خصوصی ۱۲ برابر افزایش یافته است



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

نیست. لغو قرارداد دو بیمارستان گلزار و قائم رشت با بیمه سلامت و خود داری از پذیرش بیماران، یا طرح این که از بیمه شدگان طرح سلامت نیز حق بیمه ای با درصدهای مختلف حتی تا سقف ۱۰۰ درصد دریافت خواهد شد. **طرح تحول در واقع پوششی برای افزایش تعرفه ها و تحمیل هزینه های سنگین بر سفره های مردم بود، در ۴ سال اخیر تعرفه مراکز دولتی ۳ برابر و تعرفه مراکز خصوصی ۱۲ برابر افزایش یافته است.** بر خلاف تصور عموم هزینه های درمان در طرح تحول نه تنها کاهش پیدا نکرد، بلکه افزایش چشم گیری یافته و منابع تزریق شده در وزارت بهداشت به بهانه ی اجرای این طرح، بیش از همه در جهت تامین منافع راس هرم نظام پزشکی سالار و افزایش درآمد آنان به کار گرفته شده است: به نام مردم به کام پزشکان. به همین دلیل است که حساب ملی سلامت که سالانه منتشر می شد و آماری از وضعیت بهداشت و هزینه های آن را مطرح می کرد دقیقا از سال ۹۳ یعنی شروع طرح تحول منتشر نگردید. نگاهی به آمار تامین منابع بودجه ی طرح تحول واقعیت بار مالی که بر دوش مردم گذاشته شده را به خوبی نشان می دهد:

- هر نفر در سال ۹۶ باید حدود ۸۰۰ هزار تومان بابت اجرای طرح تحول پرداخت کند و طی ۳ سال گذشته هر خانوار سالانه ۷۰۰ هزار تومان بابت این طرح پرداخت کرده است.

- هر نفر به ازای هر لیتر بنزین شخصی ۲۰ تومان یعنی **در کل روزانه ۲۰ میلیارد تومان** بابت طرح تحول پرداخت کرده است.

- ۱۰ درصد افزایش برق و گاز خانگی برای طرح تحول استفاده شده است. ۱- درصد از محل خریدهای روزانه بابت ارزش افزوده کم شده و به حساب طرح تحول ریخته شده **یعنی حدود ۴۰۰۰ میلیارد تومان در سال.**

- ۱۰ هزار میلیارد تومان از جیب کارکنان دولت و ۱۵ هزار میلیارد تومان **بابت بیمه های تکمیلی.**

- علاوه بر این ۸ هزار میلیارد تومان اوراق قرضه دولت برای اجرای **طرح تحول** بدون تامین منابع

یعنی در حال حاضر بی آنکه آگاه باشیم هر شخص حدود ۴۰۰ هزار تومان **بابت این طرح بدهکار هستیم.**

البته بدهی حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان بیمه ها به مراکز درمانی طرف قرارداد که آن هم نهایتا از جیب مردم بیرون کشیده خواهد شد.

در واقع قربانی اصلی طرح سلامت کلیه مزدبگیران اعم از کارگر، پرستار، معلم، بازنشسته، مستمری بگیر و کلیه ی مالیات دهندگانی هستند که هزینه های کلان این طرح را در واقع آنان پرداخت کرده اند.

**طی ۳ سال
اجرای طرح
تعرفه های
پزشکی بین
۲۰۰ تا ۴۰۰
درصد افزایش
یافته است**

در طی این ۳ سال سهم پرداخت هزینه های درمانی در بخش خصوصی حداقل رشد ۳۰۰ درصدی داشته و در بخش های دولتی هم علی رغم آن که بار اصلی هزینه های درمان البته به صورت نامحسوس و غیر مستقیم از جیب مردم پرداخت شده، بیماران باید در صف های طولانی منتظر بمانند، یا به دلیل نبود تخت بالاجبار به مراکز خصوصی مراجعه کنند که البته همین وضعیت نابسامان هم به دلیل مشکلات اساسی پیش آمده تداومی نخواهد داشت. از جمله بیمارستان نمازی شیراز اعلام کرده که با توجه به معوقات ۱۳ ماهه دیگر قادر به ارائه خدمات به بیماران



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

درمانی. نمونه ۲۰۵ برابر شدن پرداختی بیمه تامین اجتماعی و استقراض از بانک رفاه برای پرداخت معوقات بیمارستان ها.

- رواج پرداخت های نجومی به پزشکان و افزایش شدید شکاف طبقاتی و درآمدی بین پزشکان و سایر کارکنان نظام سلامت و سایر اقشار جامعه و به تبع آن اعتراض های گسترده نسبت به تبعیض و بی عدالتی در پرداخت ها از جانب کادر درمانی.

- عدم رشد ملموس در شاخص های بهداشتی که ناشی از نگاه درمان محوری (سودآورتر!) حاکم بر وزارت بهداشت و بی توجهی به سایر جنبه های سلامت و پیش گیری و توقف اجرای طرح پزشکان مقیم پس از صرف منابع مالی بسیار بدین منظور.

باز هم نگاهی گذرا به آمار و اخبار رسمی بخوبی نشان می دهد که منافع این طرح به جیب چه کسانی واریز شده است:

- طی ۳ سال اجرای طرح تعرفه های پزشکی بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ درصد افزایش یافته است.

نمونه کارانه پرداختی تامین اجتماعی به ۲۵۰۰ پزشک عمومی و ۳۷۰۰ پزشک متخصص شاغل در این سازمان قبل از طرح حدود ۷۵ میلیون تومان و بعد از طرح حدود ۲۷۷ میلیارد تومان.



علاوه بر موارد فوق، منابعی از طریق افزایش هزینه ی پیامک ها، هزینه اینترنت، مالیات بر کالاهای آسیب رسان و هزینه های سبه شخص ثالث در اختیار وزارت بهداشت قرار گرفته است. توجه به آمار و ارقام فوق به خوبی نشان می دهد که چه بودجه کلان و مبالغ هنگفتی به بهانه ی اجرای این طرح به بغما رفته است.

به عنوان نمونه در سال ۱۳۹۵ بیش از ۱۲۰ هزار میلیارد تومان در حوزه درمان وزارت بهداشت هزینه شده و این معادل درآمد نفتی کشور طی این سال است.

اما باید دید که این مبالغ کلان و سرمایه هنگفتی که بیشتر از اختلاس های ۱۰ سال اخیر است! چه نتایجی به بار آورده است:

- تورم ۲ برابری بخش بهداشت و درمان نسبت به شاخص کل تورم جامعه بنا بر اعلام بانک مرکزی.

- افزایش ۱۵۰ درصد هزینه های نظام سلامت نسبت به قبل از اجرای طرح.

- افزایش شدید سهم سلامت در سبد هزینه های خانوار به عنوان شاخصی از فشار هزینه های درمانی بر دوش مردم.

- افزایش بیش از ۳۰۰ درصد هزینه های درمانی برای مشمولین تامین اجتماعی.

- ورشکست شدن بیمه های



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

آنچه در واقع پشت پرده طرح تحول اتفاق افتاده کارانه های نجومی، دستگاه های پولساز واردات تجهیزات پزشکی، منع صدور فیش های حقوقی صاحب منصبان و یا فیش های محرمانه تحت عنوان سی دی های رمزار و... وزارت پزشک زده ی بهداشت و نظام پزشک سالار در بستر مناسبات قدرت مدار و سود محور حاکم، بیشترین پرداختی ها را به مدیران پزشک وزارت بهداشت داده، پرداخت های چند صد میلیونی آن هم در شرایطی که در بعضی مراکز درمانی دستمزد پرسنل تا حدود یک سال پرداخت نشده است. **در واقع نه مردم و نه کادر درمان از طرح سلامت هیچ سودی نبرده اند و منافع حاصل از این طرح تنها به جیب پزشکان و صاحب منصبان وزارت بهداشت یعنی راس هرم نظام پزشک سالار سرازیر شده است.**

در مسیر طرح تحول شرکت های تجهیزات پزشکی عمدتاً در انحصار چند کانال خاص وابسته به قدرت فعالیت داشته اند و مراکز تشخیصی نیز بدون آنکه تاثیری در رشد شاخص های سلامت داشته باشند رشد بی رویه ای داشته اند. عمده مبالغی که در زمینه ی دارویی به سمه ها تحمیل شده نه مربوط به داروهای ضروری مانند آنتی بیوتیک ها بلکه مربوط به داروهای غیر ضروری از جمله هورمون های رشد است که بیشتر برای تقویت عضلات ورزشکاران به کار می رود.

با توجه به مبالغ کلانی که در طرح تحول به جیب پزشکان ریخته شده علناً پدیده ی " زیرمیزی" به پدیده ی " رومیزی" تبدیل شده است. کشتی طرح تحول چنان به گل نشسته که حتی رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس علی رغم آنکه این نهاد هم مانند نظام پزشکی حامی منافع پزشکان است، اذعان داشته که **پول طرح تحول عمدتاً به برخی افراد وزارتخانه داده شده ولی گفته شده که در مناطق محروم هزینه شده است.** بنا بر اظهارات مسئولان نظام پرستاری به عنوان قشری که تنها نصیب آنان از طرح تحول فشار کاری بیشتر است، از بودجه ای که از هدفمندی بارانه ها سالانه برای این طرح در نظر گرفته شده هر سال ۵۰۰ هزار امکان شغلی ایجاد کرد، با اگر از این مبلغ سالانه یک میلیارد تومان به هر بیمارستان برای کمک به بیماران نیازمند اختصاص داده می شد عملاً این بیماران به رایگان از بیمارستان ترخیص می شدند. یا اگر این مبلغ برای مرمت بیمارستان ها اختصاص داده می شد ۵۴۰ بیمارستان برای مدت ۵ تا ۱۰ سال از مرمت بی نیاز می شدند.

- قبل از طرح درآمد سرانه پزشکان ۳۵ برابر متوسط درآمد جامعه بوده و بعد از طرح این تفاوت به ۱۰۰ برابر بالغ گشته است.

وزارت بهداشت ادعای ایجاد ۲۱ هزار تخت درمان کرده در حالی که در واقع این تخت ها عمدتاً مرمتی بوده اند، نه این که به آمار تخت ها اضافه شود

در این ارتباط دست اندرکاران وزارت بهداشت بعد از اجرای این طرح صاحب حقوق های نجومی شده اند. نمونه درآمد وزیر بهداشت ابرتاجر لنز و لیزیک کشور از سهام بیمارستان ها، واردات تجهیزات پزشکی و حقوق ثابت روزانه مبلغی بالغ بر ۱۰۰ میلیون تومان!

فراخوان به اعتراض و اعتصاب توسط پرستاران تعدادی از بیمارستانها در تهران





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

ها و امکانات لازم باشند به صورت صوری افتتاح می شوند و یا بعضی از مراکز چندباره گشایش می یابند؛ نمونه بخش سی تی اسکن بیمارستانی در شهر کرمانشاه که چندین بار افتتاح شده است. سیستم پزشکی سالار وزارت بهداشت در جهت پیشبرد اهداف سودجویانه ی خود به تخریب پرستاری آکادمیک پرداخته تا هیچ مانعی بر سر راه سیستم برده داری نوبنی که حاکم کرده باقی نماند از جمله این اقدامات حذف جایگاه شغلی بهیاری و آموزش های یک ساله با عنوان کمک پرستار و جایگزینی آن به جای پرستاران متخصص است. طرحی که حاصل آن سقوط سطح سلامت جامعه، افزایش سودآوری سرمایه داری پزشکی و پرورش نیروی کار مطیع و دست به سینه ای است که باعث تحکیم هر چه بیشتر سیستم برده داری بهداشت می شود.

ونتیجه آن که مناسبات پزشکی سالاری حاکم در قالب طرح تحول تنها و تنها در جهت منافع راس هرم پزشکی سالاری عمل کرده و مردم نیز در ظاهر خدمات ارائه شده مراکز دولتی را به صورت مقطعی دیده و پشت پرده ی این طرح که چگونه با ترفندهای مختلف چند برابر هزینه های درمانی از جیب خود آنان بیرون کشیده شده و به جیب اقلیتی ریخته شده، فعلا پنهان است، نظام سلامت در حال احتضار است و راه نجات آن اعتراض و مبارزه با این مناسبات است.

این طرح مانند بسیاری از طرح های دیگر سراسر دروغ و وعده های کاذب است، دروغ های فاحشی از جمله گام هفتم که نظارت و ارزیابی بازخوردهای این طرح بود ولی عملا حذف شد و مسئله ی آمبولانس هوایی به جای آن آورده شد که اساسا بی ربط و مسخره به نظر می رسد.

وزارت بهداشت ادعای ایجاد ۲۱ هزار تخت درمان کرده در حالی که در واقع این تخت ها عمدتا مرمتی بوده اند، نه این که به آمار تخت ها اضافه شود.

برای اثبات ادعای ایجاد مراکز درمانی جدید مضحکه ای به راه افتاده که بعضی از مراکز درمانی بدون آنکه دارای بخش

صدای کارگر

کارگران صنوف

(بخش پایانی)

ادامه از شماره ۱۹۴

کنی... طرف ها را بشوری و تمیزکاری کنی! و اگر این کار را نکنی؛ آن وقت: "این حقوق، سفته و کارت ملی ات! از فردا دیگه نیا".

در محل کار...، اما از ساعت ۴ و نیم تا ۷ بعد از ظهر استراحتت. اما این حيله ای بیش نیست. استراحت به این معناست که مشتری نمی آید، اما بار (کیسه های ۵۰ کیلویی پیاز و ۲۰ کیلویی برنج) می آید و باید خالی

در اولین رستورانی که کار می کردم؛ ناهار و شام سرو می کردند؛ از ساعت ۷-۸ صبح تا ۱۱-۱۲ شب در رستوران باید کار می کردیم. کارفرما در روز اولی که می خواهد کارگر را استخدام کند؛ می گوید: "از ساعت ۷ صبح هستیم تا ۱۲ شب



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵



Republished by: Namagooya.com

دیگری که آن جا می خوابید؛ بعد از ساعت ۴ دست به سیاه و سفید نمی زد؛ هدفون می گذاشت و آهنگ گوش می کرد. ظرف شستن معمولاً تا ۶ و ۸ شب طول می کشید، بدون این که حقوق اضافه کاری دریافت کنم." "صاحب چلوکبابی ای واقع در خیابان سعدی شمالی روبه روی شعبه مرکزی بیمه ی ایران خیلی علاقه داشت که کارگرها در محل کار، مهندس صدایش کنند و همیشه داد می کشید و فحش می داد. در حقوق و مساعده دادن به کارگرها همیشه مشکل داشت. با کارگرهای آشپزخانه و پیک های موتوری دعوا می کرد و از همه چیز ایراد می گرفت حتی به چینش سیب زمینی و پیازها نیز دقت می کرد تا به قول خودش مثل برج ایفل نباشد! یکی از کارگرها می گفت: "این آدم متخصص ایراد بنی اسرائیلی گرفته،" برخوردش با کارگرها مثل برخورد تزار و فرعون بود. این فرد تعطیلات نوروزی امسال اش را به مالاگای اسپانیا رفت."

گفت: از فردا دیگه نیا. گفتم من یک روز کار کردم برای شما، مزد امروزم؟! گفت من یک آگهی چاپ کردم برای همشهری تا آخر ماه باید می موندی. گفتم آگهی ۱۲ هزار تومانه پول اش. گفت نه من یک آگهی چاپ کردم، شما اومدی؛ یک آگهی هم باید چاپ کنم، یکی بعد از شما بیاد. گفتم پول نمی خوام! همون کارت ملی ام رو بده...، کارت ملی ام توی گاو صندوق اش بود، ولی دروغ گفت که خونه ست و می خواست اذیت کنه و گفت برو فردا بیا. فردا رفتم گفت یادم رفته از خونه بیارم برو فردا بیا. بالاخره ازش گرفتم منتها یک روز بدون مزد کار کردم و دو روزی هم هزینه ی رفت و آمد دادم و از کار و زندگی افتادم."

"تهیه غذای بعدی واقع در تقاطع خیابان فلسطین و ایتالیا بود. دو آشپز بودند و من به عنوان کارگر و کمک آشپز و... مشغول بودم. ساعت کاری از ۷ صبح تا ۵ بعد از ظهر بود. رأس ساعت ۴ یکی از آشپزها به خانه می رفت و آشپز

این در صورتی است که آدم به ظاهر منصفی باشد اما اگر آدم لومپنی باشد دعوا می کند و کتک هم می زند..."

محل کار بعدی یک تهیه غذایی بود که در زیرزمین یک مسجد واقع شده بود. ساعت کارش همان طور که در آگهی های همشهری زده بود از ۷ و نیم صبح بود تا ۴ و نیم بعد از ظهر.

قبل از اینکه در آن جا مشغول به کار شوم از کارفرما پرسیدم لباس کار می دهید؟ گفت: "نه لباس کار بیار..."

"ساعت ۵ عصر بود و آماده ی رفتن بودم که گفت: این دیگ لباس ها رو بشور، بعد برو. گفتم ببخشید من ظرف شور هستم، ولی لباس شور نیستم. گفت لباس کارهای خودتونه، گفتم شما که به من لباس کار ندادید...، گفت مال کارگرای قبلیه، گفتم مال کارگرای قبلیه، من موظف نیستم، بشورم.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

مرگ اش می شد؛ کارگر و خانواده اش دست شان به جایی بند باشد.

در زمان تصفیه حساب می گفت: "حقوق ات را چه ۱ روز کار کرده باشی چه ۲۹ روز نمی دهم، کمتر از ۲۰ روز من حقوقی نمی دهم. تو هم هر کاری از دست ات برمی آید کوتاهی نکن!"

اتفاق دردناک تر پس از این حادثه افتاد؛ کارگران دچار چنددستگی شدند، کارگرانی که بار خالی می کردند چنین فکر می کردند که کارگران نظافت چی با این که همکار ما هستند، ولی برایشان مهم نبوده که بقیه سرشان به زمین بخورد و متلاشی شود! کارگران باربر این فکر را نمی کردند که سرپرست به عمد از تعدادی کارگر دیگر مثل خودشان خواسته بود که دقیقاً در همان زمانی که این ها بار را خالی می کنند؛ کف آشپزخانه را با مواد شوینده تمیز کنند. بعد از پایان ساعت کاری کارگرها رفتند، یک کوچه پایین تر، تا دعوا کنند. رفتیم و برایشان توضیح دادیم که مقصر اصلی سرپرست بوده نه کارگران نظافت چی. در همین زمان یکی از کارگرها گفت: "من می دونستم کار خود ناکسشه! از قصدی دعوا گرفتم با شما که اون حالیش بشه! اونم که انگار نه انگار! همیشه سگ اخلاق بود عصرا ولی امروز که عباس با سر پخش شد کف زمین، کبک اش تا سر شب خروس می خوند ناکس... " مشخص شد که او به دلیل نبود امنیت شغلی و از ترس اخراج حرفی نزده..."

پرمخاطره بودن به این معناست که شما همیشه در معرض خطر هستید و هرچه کم تجربه تر؛ بیشتر در معرض آسیب قرار می گیرید. دما و رطوبت آشپزخانه ها بالا است. علاوه بر این که همیشه خطر سوختگی وجود دارد؛ کف آشپزخانه ها از سرامیک یا سنگ مرمر است و در زمان آشپزی، باید مدام کف آشپزخانه شسته شود. لیز بودن کف آشپزخانه ها در حالت عادی خطرناک است، چه برسد به این که بار هم برسد و از کارگر بخواهند، هرچه سریع تر بار را خالی کند. شستشوی کف آشپزخانه به دلیل بالا بودن دمای آن جا انجام می شود تا بخار مواد شوینده و خونابه روی طعم و بوی غذا اثری نگذارد. البته گاهی نیز به دلیل بالا بودن شدت کار، این کار به طور معمول انجام نمی شود.

یکی از اتفاقاتی که شاهدش بودم این بود که «دقیقاً در زمانی که بار رسید؛ سرکارگر، کارگرانی را مأمور کرده بود تا هر چه سریع تر کف آشپزخانه را بشویند و بعدش سراغ کار دیگری بروند. باید بار مرغ یخ زده به تعداد بالا را خالی می-کردند چون باید هرچه سریع تر پخت می شد. من و کارگرانی مأمور این شدیم که بار را خالی کنیم؛ کارگران دیگری که نظافت می کردند حواس شان به این نبود که نباید در همین زمان مواد شوینده را بریزند؛ پای یکی از کارگران لیز خورد و با جمجمه به زمین برخورد کرد. بعد از این که بار کاملاً خالی شد؛ سرش را پانسمان کردیم و کارفرما لطف کرده و ۳۰ هزار تومان کف دست اش گذاشت و به او مرخصی یک روزه با حقوق داد. قرارداد و بیمه ای هم نداشت که اگر این حادثه منجر به از کار افتادگی یا

"صاحب رستورانی دیگر که در آن کار می کردم، همیشه عصبانی بود؛ داد می زد و کلمات رکیک بر زبان می آورد و در نهایت کاری می کرد که کارگرهای ساده کمتر از یک ماه آن جا بمانند. در زمان تصفیه حساب می گفت: "حقوق ات را نمی دهم، چه ۱ روز کار کرده باشی چه ۲۹ روز... کمتر از ۲۰ روز من حقوقی نمی دهم. تو هم هر کاری از دست ات برمی آید کوتاهی نکن! گفتم این را باید همان روز اول می گفتی نه الان..."

بیشتر کارگران رستوران ها و تهیه غذا بیمه نیستند. پرمخاطره بودن به این معناست که شما همیشه در معرض خطر هستید و هرچه کم تجربه تر؛ بیشتر در معرض آسیب قرار می گیرید

از دیگر سختی های این شغل علاوه بر پایین بودن سطح اجتماعی، پرمخاطره بودن آن است. کارگران باید در محیطی کوچک با دما و رطوبت بالا کار کنند، لیز بودن کف زمین، سر و کار داشتن با آتش، آب، روغن و آهن داغ خطرات کار را برای آنان افزایش می دهد...

بیشتر کارگران رستوران ها و تهیه غذاها بیمه نیستند.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

سفارش گیری و انتقال غذاها از پایین به بالا، ظرف های کثیف سالن را از بالا می داد پایین بگذارم و وقتی سفارش کم داشت وظیفه ام شستن ظرف های تلنبار شده با کف سیاه بود چون زورش می آمد ریکا مصرف کند. آب ظرفشویی در سینک فرو نمی رفت و باید با یک سطل کوچک چرکابه ها را در داخل سطل بزرگی خالی می کردم. پیش می آمد که بر اثر شدت کار، کف آشپزخانه پر از آب چرک شود و اگر این اتفاق هم نمی افتاد؛ چرکابه های سطل بزرگ به دلیل بالا بودن دمای آشپزخانه همیشه بخار می شدند و گرد سیاه اش در ریه های ما و غذای مشتری فرو می رفت. مأمور بهداشت گهگاهی می آمد و سرک می کشید و ما را با شورت و عرق گیر از بالا در داخل استخر چرکاب در حال برنج دم کردن می دید؛ خسته نباشیدی می گفت و بعد هم جیره اش را می گرفت و می رفت. این در حالی بود که طبقه ی همکف که جای نشستن و سفارش دادن مشتریان بود؛ همیشه تمیز بود».

«زمانی که در یک رستوران گران قیمت کار می کردم. بیمه نداشتم و ساعت کاری ام از ۹ و نیم صبح بود تا ۱۱ و نیم شب. ۱۱ و نیم شب تازه نظافت شروع می شد و به واقع تا ۱۲ شب سرکار بودم. از طرفی باید ۷ صبح بیدار می شدم. از ۱ شب تا ۷ صبح، ۶ ساعت وقت خوابیدن داشتم. یک بار سرآشپز هول ام کرد و دست ام را در هنگام پیاز پوست کندن، بریدم. بعد از پیازها نوبت لیمو خرد کردن بود و آب لیمو در جای بریدگی می ریخت» یاد شکنجه های قرون وسطی می افتادم که برای گرفتن اعتراف روی زخم زندانیان، نمک می پاشیدند.

داشت. در حالی که به سادگی می توانست با گذاشتن یک تلفن سانترال یا تلفن اسپیکردار و یا یک پرینتر مسأله را حل کند.

زمانی که در یک رستوران گران قیمت کار می کردم، بیمه نداشتم و ساعت کاری ام از ۹ و نیم صبح بود تا ۱۱ و نیم شب، ۱۱ و نیم شب تازه نظافت شروع می شد و به واقع تا ۱۲ شب سرکار بودم

البته کارفرما در ۶ ساعتی که روی نردبان بودم به فکر من هم بود که مبادا از یکنواختی کار خسته شوم و برای همین از پیش برایم تنوع کاری ایجاد کرده بود! در همین زمان

"زمستان یک سال در کترینگی واقع در خیابان کارگر شمالی کار می کردم. پس از نظافت و خالی کردن بار و تراکت-پخش کنی و آشپزی، ۱۱ صبح که زمان دریافت سفارش بود؛ محل ثابت ام روی نردبانی فلزی بود که با زاویه ی ۳۰ درجه بر روی زمین بین طبقه ی همکف و زیرزمین قرار گرفته بود. فضای آزاد اطراف ام ۴۰ سانتی متر از جلو و ۱۰ سانتی متر از اطراف بود. دمای هوا از کمر به پایین بالای ۴۰ درجه ی سانتی گراد بود و نردبان به دلیل رسانایی فلز، به شدت گرم می شد. روز دوم کاری کارفرما که می خواست نشان بدهد، هوای نیروی کاریش را دارد(!) یک پارچه داد تا روی طبقه ای از نردبان که می نشستم، بگذارم و کمتر اذیت شوم. دمای هوا در بالا تنه ام صفر درجه بود. به دلیل اختلاف دمای موجود، زمانی که برای شستن ظرف ها به زیرزمین می رفتم امکان نداشتم دچار گرفتگی عضله نشوم. از دل خوشی هایم این بود که سفارش جوجه یا کباب داشته باشیم و فن برقی شروع به کار کند تا کمی خنک شوم. یکی از وظایف ام که دقیقاً مصداق سختی کارم بود؛ این بود که منشی و صندوق دار بعد از گرفتن سفارش در پای تلفن از طبقه ی همکف؛ سفارشات را به من در لحظه می گفت و من باید سرم را با پایین آوردن و خم کردن در همان فضای محدود، به سرآشپز انتقال دهم. به دلیل تماس های مکرر، روزانه دست کم یک بار اشتباه در سفارش گیری رخ می داد به این صورت که منشی پای تلفن از مشتری سفارش را می گرفت و تعداد یا نوع غذا را اشتباه به من منتقل می کرد و طبیعتاً این طور اشتباه ها در حقوق نیز تأثیر



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

های سفید امضا، سفته، چک، شناسنامه، کارت ملی و... از کارگر که به عنوان ضمانت در اختیار کارفرما قرار می گیرد. ضبط شدن مدارک کارگران توسط کارفرمایان امری غیر قانونی است ولی متأسفانه به عنوان یک عرف معمول در روابط کاری جا افتاده است بنابراین کاملاً آشکار است که مسئولان هیچ گونه تعهد و نظارتی در اجرای قانون کار نداشته است. نظارت و پیگیری ای از طرف دولت وجود نداشته و کارگران اخراجی نیز قراردادی برای شکایت در دست ندارند. در چنین شرایط نابرابری است که کارگر یا باید حقوق اش را حواله کند به قیامت و آخرت (!) یا درگیر شود و گرفتار نیروی انتظامی و بیمارستان شود. اگر هم برود شکایت کند؛ نمی تواند ثابت کند که آن جا کار کرده است. چنین است که امروزه وضعیت کارگران ساده ی آشپزخانه ها در ایران به مراتب وخیم تر از برده هایی است که دیوار چین و اهرام ثلاثه ی مصر را ساخته اند.

سرمایه داران (کارفرمایان یا کارآفرینان) ایران حتی نمی خواهند کارگران، برده باشند بلکه می خواهند کارگران ربات باشند. چون برده ها می توانند شورش کنند ولی ربات ها نمی توانند شورش کنند! برده ها مریض می شوند ولی ربات ها، مریض نمی شوند و حقوق، جای خواب، بیمه، غذا و مرخصی هم نمی خواهند! هرچند حتی ربات هم برای این که کار کند باید تعمیر و سرویس شده و هزینه ی برق اش نیز پرداخت شود اما بخش کوچک سودی که از کار این ربات ها نصیب شان می شود؛ برای جایگزین کردن ریاتی جدید کافی است...

سرمایه داران ایران حتی نمی خواهند کارگران، برده باشند، بلکه می خواهند کارگران ربات باشند. چون ربات ها نمی توانند شورش کنند! برده ها مریض می شوند، ولی ربات ها، مریض نمی شوند و حقوق، جای خواب، بیمه، غذا و مرخصی هم نمی خواهند

طبق ماده ۱۰ قانون وزارت کار، باید قراردادی بین کارگر و کارفرما نوشته و امضا شود؛ یک نسخه در دست کارگر بماند و یک نسخه دست کارفرما (دو نسخه دیگر نیز به اداره ی کارمحل و شورای اسلامی کار یا نماینده ی کارگران داده شود) و همچنین در زمان تسویه حساب تاریخ شروع و خاتمه ی قرارداد، ساعت های کاری، اضافه کار، غیبت و... در آن قید شود اما متأسفانه تمام کارفرمایان بخش رستوران با سوءاستفاده از کم سواد ی کارگران و استناد به بخشی از ماده ی ۷ این قانون مبنی بر امکان "شفاهی" بودن قراردادها، پس از گرفتن سفته از کارگر، قرارداد را شفاهی به کارگران دیکته می کنند. در واقع شاهد این هستیم اکثر قراردادهایی که بسته می شود دارای یک نسخه است که در اختیار کارفرما قرار دارد به همراه برگه

در رستورانی واقع در ضلع جنوبی متروی مفتوح به عنوان تراکت پخش کن مشغول به کار شدم. روز اول از کارفرما پرسیدم لباس کار می دهی؟ گفت لباس کار می خوای چیکار؟ کارگر داریم در آشپزخانه و تو تراکت پخش می کنی. گفتم باشه اگه نداری خودم میارم ها که گفت نه لباس کار نمی خواهد. ساعت کاری ام از ۷ صبح تا ۵ عصر بود. روز اول ساعت ۴ که برگشتم رستوران، کارفرما گفت بیا و داخل فر را با وایتکس تمیز کن. وایتکس پاشید روی شلوارم و لکه شد. همین طوری دارم می پوشم اش چون پول ندارم شلوار بخرم. روز دوم کاری زمانی که گونی سیب زمینی را جابه جا می کردم؛ مهره های کمرم جابه جا شد. کارفرما به جای این که جویای حال ام باشد؛ اخراج ام کرد و من دیگر در هیچ رستورانی مشغول به کار نشدم."

اکثر قراردادهایی که بسته می شود دارای یک نسخه است که در اختیار کارفرما قرار دارد به همراه برگه های سفید امضا، سفته، چک، شناسنامه، کارت ملی کارگر و...



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

صدای کارگر

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

گرسنه ایم

امروز ۲۸ تیرماه در هفت تپه باز هم اعتصاب بود. اعتصاب کارگران شاغل، به خاطر سه ماه تاخیر حقوقی و هم چنین اعتصاب ۲۴۱ تن از کارگران بازنشسته اسفندماه، که همان مشکل عدم پرداخت ۴ درصد سهم کارفرما به تامین اجتماعی است، که با گذشت چندین ماه، هنوز اندرخم یک کوچه ایم. امروز کارگران باز هم برق کارخانه را در اعتراض، برای ساعاتی قطع کردند. ما کارگران اعلام می کنیم که از دروغ های کارفرما خسته شده ایم. خسته شدیم از بس وعده سرخرمن شنیدیم. از شرمنده شدن نزد خانواده هایمان خسته شدیم. ما از فقر خسته شدیم. ما حتا از وجود خویش هم خسته شدیم. **به عنوان پدر احساس حقارت و بدبختی می کنیم. این چه وضعیست که زندگی ما، معیشت ما و حیثیت ما را در دستان کارفرمای بخش خصوصی ناکارآمد گذاشته اند؟ و ما را به امان خدا رها کرده اند؟**

ما گرسنه ایم. بچه های ما مریض هستند، به کجا پناه ببریم؟

به کی شکایت ببریم؟ آیا اطفال گرسنه ما می فهمند که بابا حقوق نگرفته است؟

بخدا این زندگی نیست، بخدا این انصاف نیست، والا ما هم آدمیم، آقای روحانی، تا کی باصدای بلند فریاد بزنیم؟ ما گرسنه ایم؟ چرا ما باید چوب نالایقی برخی وزارت خانه های (صنعت و کار) دولت، در اجرای اصل خانه خراب کن ۴۴ را بخوریم؟

آقای روحانی تا کی باید برای نقد کردن حقوقمان اعتصاب کنیم؟ والا به پیر به پیغمبر ما از اعتصاب کردن هم خسته شده ایم. ما هم دوست داریم بدون هیچ دغده ای کار کنیم، تولید کنیم. به ثروت جامعه بیافزایم، اما چه کنیم که مانند کودکی هستیم تا صدایمان درنیاید کسی متوجه حق ما نمی شود.

مگر ما چه می خواهیم؟ جز حاصل دسترنج مان؟ آقای جهانگیری این طور می خواهید سیاست های اقتصاد مقاومتی رابه پیش ببرید؟

مسئولان امنیتی منطقه، دیگر کسی از اعضای هیات مدیره شرکت به خود زحمت نمی دهند حتی پاسخی به ما کارگران، هرچند خلاف واقع بدهد. مسئولان شورای تامین استان و شورای امنیت ملی کشور بخصوص جناب آقای شمشخانی، شما که بچه خوزستان هستید و کارکردن در دمای بالای ۵۴ درجه را می فهمید، به دادمان برسید. ما را از این زندگی مصیبت بار نجات دهید، ماهم مسلمانیم، ماهم حق حیات داریم. این جا کرامت انسانی ما دارد ازبین می رود. بخدا ما هم به فکر امنیت کشور هستیم. ما هم شرایط منطقه رادرك می کنیم. ولی برخی با بی مسئولیتی می خواهند صدای ما را در بیاورند. درپایان ازتمام مسئولان کشور بخصوص نمایندگان خوزستان درمجلس، عاجزانه درخواست می کنیم به موضوع واگذاری شرکت نیشکر هفت تپه و هم چنین مطالبات بحق کارگری ما، ورود کنند.

جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه



جنبش رو به رشد معلمان

اتحادیه آزاد کارگران ایران
نویسنده: محمد حسن پوره، معلم مزد بگیر



سی و یک تیر سال ۹۴ روز مهمی در جنبش عدالت خواهانه نیروی کار بخش آموزش ایران است، روزی که با فراخوان کانون ها برای تجمع سکوت مقابل مجلس برای آزادی دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران، آقای اسماعیل عبدی در تاریخ جنبش معلمان ایران ثبت شد. تجمع سکوتی که فریادش رساتر از هر صدایی بود، فریاد علیه امنیتی شدن فضای فعالیت صنفی و دستگیری فعالان صنفی.

فریاد و مطالبه ی تجمع سکوت، آنقدر رسا بود که قبل از روز حماسه ، فعالان را متذکر شده بودند که روز سی و یک تیر در تجمع حضور نداشته باشند و روز موعود حضور خیره کننده نیروهای امنیتی در بهارستان و مبادی ورودی به بهارستان نشان از ارزش خاص مطالبه معترضان داشت. تجمع قبل از انجام مراسم با دستگیری وسیع معلمان برگزار نشد و تجمعی که قرار بر سکوت اجرا شدنش بود، آن چنان طنین انداز شد که برگ زرینی شد در جنبش معلمان ایران.

حماسه سی و یک تیر، در تاریخ جنبش معلمان ایران نشان داد که بستر های عینی و ذهنی جنبش معلمان ایران با بهره گیری از شیوه های نوین ارتباطی و روش های مدنی و رشد آگاهی در بدنه این جنبش مهیاست. بدنه اجتماعی جنبش نوپای معلمان ایران به مدد ابزارهای نوین ارتباطی به حقوق خویش بیشتر از هر زمانی آگاه است، بدنه اجتماعی جنبش معلمان با فقر و فرق روبروست و دلایل این فقر و فرق را بدنه جنبش مطلع شده است. این بدنه با بیش از یک میلیون معلم از سیاست های نادرست آموزشی، کالایی شدن و خصوصی سازی آموزش رنج می برند و از آن بیزارند و خواهان آموزش رایگان آنچه قانون اساسی صراحتاً بر آن تاکید نموده است، می باشند.

جنبش اجتماعی معلمان ایران که نیروی کار بخش آموزش را تشکیل می دهد دارای ساختاری پویا، دینامیک و رو به رشد است و شاید تشکل هایی که ماهیتا نقش احزاب را ایفا می کنند، تلاش دارند اعتراضات صنفی و مستقل معلمان را تحت شعاع عملکرد حزبی خود قرار دهند و به شیوه های گوناگون از اعتراضات مستقل معلمان جلوگیری نمایند. اما جنبش معلمان حرکتی از پایین شکل گرفته است و حتی بعضا کانون ها و تشکل ها خود را با حرکت های اعتراضی جنبش هماهنگ می کنند.

جنبش نوپای معلمان به مرحله ای از رشد و بلوغ رسیده است که در برابر استفاده از حربه تشکل های کنترل شده، خود مستقلا، آگاهانه و مطالبه محور به دنبال گرفتن حقوق پایمال شده خود و دانش آموزان است



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

نگاهی به شعارهای جنبش از سی و یک تیر تا نوزده اسفند نشان می دهد که جنبش رو به رشد نیروی کار بخش آموزش ایران سه رویکرد را در راس خواسته ها و مطالبات خود قرار داده است.

آزادی معلمان زندانی، این مطالبه محوری ترین و اساسی ترین خواسته جنبش معلمان است، چرا که این مطالبه یعنی رفع امنیتی شدن فضای فعالیت صنفی و حق داشتن تشکل های مستقل صنفی و حماسه سی و یک تیر نیز برای این مطالبه صورت گرفت و آزادی دبیرکل کانون صنفی معلمان آقای اسماعیل عبیدی، ضمن این که همزمان فعالینی چون آقای بدایق، باقری در زندان و آقای بهشتی حکم سنگین مواجه شده بودند.

اعتراض به خصوصی سازی مدارس و کالایی شدن آموزش، بخش رسانه ایی دولتی و وابسته به سازمان های خاص بعد از فراگیر شدن جنبش معلمان در قالب برنامه های مختلف خبری سعی در تاثیر گذاری روی افکار عمومی جامعه بودند، تا دلیل اعتراضات معلم ها را صرفا اعتراض به حقوق بیان کنند و در همان زمان مقایسه تعطیلی معلم ها با سایر کارکنان دولت توسط حتی چهر های نظامی صورت پذیرفت. اما این رویکرد و مطالبه یعنی اعتراض به خصوصی سازی مدارس و کالایی شدن آموزش این پیام را به جامعه رساند که معلم ها ضمن این که معترض به کم بودن دستمزد دارند نسبت به خصوصی سازی مدارس و طبقاتی شدن دانش آموزان معترض هستند.

مشکلات معیشتی و فریاد فرق و فقر، رویکرد سوم اما قدیمی جنبش معلمان است و یک بخش مشترک با سایر مزد بگیران است که مورد استثماری قرار گرفته اند. وقتی که حرکت رو به رشد است و حامیان وضع موجود به جای حل مساله به پاک کردن صورت مساله می پردازند، حرکت رو به رشد بدنه اجتماعی جنبش به ریشه دواندن و گسترش خود می پردازد.



سه مطالبه یا رویکرد جنبش معلمان از سی و یک تیر ۹۴ تا نوزده اسفند ۹۵ به مطالبات عینی و ملموس جنبش معلمان تبدیل شد که دو بخش این مطالبات، مطالبه عمومی است و جنبش معلمان به ایفای رسالت خویش مبنی بر اعتراض به خصوصی سازی گسترده و کالایی شدن آموزش پرداخت تا دین خود را نسبت به خانواده ی دانش آموز و خود دانش آموز ادا نماید.

جنبش نوپای معلمان به مرحله ای از رشد و بلوغ رسیده است که در برابر استفاده از حربه تشکل های کنترل شده، خود مستقلا، آگاهانه و مطالبه محور به دنبال گرفتن حقوق پایمال شده خود و دانش آموزش باشد. سی و یک تیر ۹۴ دوره ای مهم در بلوغ جنبش نیروی کار بخش آموزش ایران است، دوره ای که همراه با رشد آگاهی نسبت به حقوق خود و محوریت آن مطالبه محور بودن، است.

وقتی که ساختار یک حرکت اعتراضی پویا است، وقتی که شیوه مدنی اعتراض مورد قبول همگان است، وقتی که شعارهای عمده، اصلی و مطالبات مشخص است،





تشکل‌ها

تشکل های صنفی معلمان در سقز و مریوان

حکم طاهر قادرزاده را لغو کنید

خبرگزاری هرانا

خواهان اصلاح این وضعیت ناعادلانه شده‌اند. از آن جمله تلاش‌های مستمر و دلسوزانه‌ی معلمینی همچون آقای "طاهر قادرزاده" جهت کاستن از مشکلات موجود آموزش و پرورش به جای تقدیر شدن با پرونده‌سازی و صدور حکم قضایی برای ایشان روبرو شده است. حکم ناعادلانه‌ی ۹۱ روز حبس (تعلیق به مدت ۳ سال) علیه طاهر قادرزاده عضو انجمن صنفی معلمان استان کردستان و از فعالین صنفی شهرستان سقز، به اتهام تلاش جهت برگزاری تجمعات صنفی که یکی از بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق به رسمیت شناخته شده‌ی معلمان در بسیاری از نقاط دنیا می‌باشد صادر گردید."

انجمن های صنفی معلمان کردستان در سقز و مریوان با صدور بیانیه‌هایی جداگانه خواستار لغو حکم صادره علیه آقای طاهر قادرزاده شدند. آقای طاهر قادرزاده عضو کانون صنفی معلمان شهر سقز به اتهام «تشویش اذهان عمومی و تلاش برای سازماندهی تجمع اعتراضی معلمان» بر اساس فراخوانهای سراسری کانون صنفی معلمان به ۳ ماه و یک روز حبس تعزیری در دادگاه تجدیدنظر محکوم شد.

به گزارش هرانا، انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز) در خصوص حکم صادره علیه طاهر قادرزاده عضو انجمن صنفی فرهنگیان کردستان در قسمتی از بیانیه منتشره خود آورده است:

"بحران کنونی آموزش و پرورش یکی از هولناک‌ترین بحران‌های جامعه‌ی ماست. آشکار است که این بحران با تمام زوایای زندگی اجتماعی و فرهنگی ما پیوستگی ارگانیک دارد. روند رو به رشد خصوصی سازی مدارس، قانون متمایز کردن فرد موفق از ناموفق، نردبانی کردن و تقسیم بندی انسان‌ها از بالا به پایین روحیه‌ای تبعیض آمیز است که تا حد زیادی با فراهم سازی بستر آموزش یکسان و عادلانه برای تربیت فرزندان این مرز و بوم در تضاد آشکار است. برای کاستن از آسیب‌های اجتماعی چنین بستر آموزشی غیر عادلانه‌ای، معلمان دلسوز این دیار با از خود گذشتگی و ایثار در جهت اصلاح امور قدم در میدان گذاشته و



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

تیتراخبار

این صفحه، اختصاص دارد به تیترا خبر های کارگری در هفته ای که گذشت. سرفصل جدیدی از بولتن کارگری، که در گسترش اطلاع رسانی اخبار و حمایت از جنبش کارگری به شرح زیر ارایه می شود.

- / معیشت همچنان مشکل اصلی کارگران
- / فارغ التحصیلان دانشگاهی جویای کار خواستار لغو طرح کاروزی شدند.
- / کارگران پیمانی اتوبوسرانی رشت خواهان حذف پیمانکار شدند.
- / تجمع اعتراضی کارگران کارخانه سیمان مارگون نسبت به نداشتن قرارداد و عدم پرداخت ۳ ماه حقوق
- / تجمع کارگران شهرداری شهر اردل پول دراعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق
- / شماره ای دیگر از سریال تجمعات اعتراضی کارگران کارخانه کاشی گیلان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی
- / تکرار حوادث در معادن کرمان؛ معدنکاران باز هم قربانی شدند
- / کارگران «شرکت رعد تبریز» در منگنه مشکلات معیشتی/ دستمزدها قسطی پرداخت می شود
- / تجمع کارگران شهرداری اهواز در گرمای بالای ۵۰ درجه/ خواسته اصلی کارگران «تبدیل وضعیت» است
- / معدنچیان مصدوم «راور» ترخیص شدند
- / تیراندازی به کولبران مرجعیت قانونی ندارد / قانونگذار به سمت «بزه دیده محوری» گام بردارد
- / فارغ التحصیلان دانشگاهی جویای کار خواستار لغو طرح کاروزی شدند
- / نامه کارگزاران مخابرات روستایی کشور در نامه ای خطاب به وزیر ارتباطات:
- خواستار عقد قرارداد دائم با مخابرات و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستیم.
- / کارگران پیمانی اتوبوسرانی رشت خواهان حذف پیمانکار شدند.
- / تجمع اعتراضی کارگران کارخانه سیمان مارگون نسبت به نداشتن قرارداد و عدم پرداخت ۳ ماه حقوق
- / تجمع کارگران شهرداری شهر اردل پول دراعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

- / تکرار حوادث در معادن کرمان؛ معدنکاران باز هم قربانی شدند
- / تجمع کارگران کشتی سازی بحرگستر هرمز برای معوقات مزدی
- / کارگران نگران امنیت شغلی خود هستند/ طرح طبقه‌بندی مشاغل اجرا نشده‌است
- / مرگ راننده جوان معدن گل‌گهر بر اثر ریزش کنسانتره
- / پرسنل شرکت احیاصنعت ادوات نگران شرایط نامساعد شغلی/ کارگران خواستار نظارت بیشتر رجاء هستند
- / کارگران «تولی پرس» و «بسته بندی البرز» به مرخصی اجباری فرستاده شدند
- / درخواست برای اجرای «طرح طبقه‌بندی مشاغل» در پتروشیمی رازی/ معوقات سال گذشته پرداخت نشده‌است
- / شرکتی‌های مخابرات نگران بی‌توجهی نمایندگان خانه ملت/ مماشات با دولت» به قیمت قربانی شدن کارکنان تمام نشود
- / مسئولین نیشکر بازم اعتصابه پنبه ها رازگوش دربیارید ماهم انسانیم هم ایرانی هستیم
- / بازم بدقولی کارفرما بازم اعتراض درنیشکرهفت تپه نبرد برای حق ادامه دارد
- / بیکاری ۱۰۰ کارگرتخته ارازگل رامیان با ماه ها حقوق معوقه بدنبال تعطیلی کارخانه
- / کارخانه قند شاهرود باردیگر تعطیل و ۱۰۰ کارگرش بیکارشدند!
- / تجمع کارگران بلبرینگ سازی در محوطه کارخانه
- / تجمع کارگران کشتی سازی بحرگستر هرمز برای معوقات مزدی
- / تجمعات اعتراضی کارگران پتروشیمی رازی ماهشهربرای سومین روزمتوالی
- / محرومیت مهارت آموزان و کارورزان از بیمه تامین اجتماعی در طرح های کارورزی ومهارت آموزی؟! / تعطیلی ۲۲۰۰ واحد تولیدی سنگ‌های تزئینی
- / تجمع اعتراضی پرستاران بیمارستان کوثر سمنان نسبت به عدم پرداخت ۱۱ ماه مطالباتشان مقابل استانداری
- / تجمع رانندگان شرکت حمل و نقل خلیج فارس مقابل سازمان خصوصی سازی
- / آغاز دور جدید اعتراض کارگران کیان تایر/ نگرانی معترضان از بازگشت مالک خصوصی
- / تجمع اعتراضی کارگران اخراجی کارخانه ذوب آهن نسبت به خلف وعده کارفرما مقابل اداره کل کاراستان
- / ادامه انتقادها به طرح «تربیت پرستار بیمارستانی»
- / نمایندگان مجلس درباره عدم پرداخت حق‌الزحمه معلمان تذکر دادند.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۵

بدون شرح

